

پژوهش نامه نقد وهابیت؛ سراج منیر ♦ سال پنجم ♦ شماره ۱۷ ♦ بهار ۱۳۹۴
صفحات: ۱۱۷-۱۳۶ ♦ تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۹/۰۸ ♦ تاریخ تأیید: ۱۳۹۴/۰۲/۰۱



اقسام توحید از دیدگاه وهابیت و نقد آن

محمدجواد امید*

چکیده

این پژوهش به منظور درک بهتر از اقسام توحید و دلایل انحصار آن از دیدگاه وهابیت انجام گرفته است. وهابیت با انحصار تقسیم‌بندی توحید در دو گونه، یکی تقسیم دوگانه و دیگری تقسیم سه‌گانه، دیگر مسلمانان را در این معرفت دچار خطا می‌بیند. اما با بررسی دلایل انحصار اقسام توحید در این دو گونه، این نتیجه حاصل شد که دلایل وهابیت بر این انحصار، افزون بر اینکه نادرست است، اشکالاتی دارد، از جمله نادرست بودن این انحصار با مبنای سلف‌گرایی وهابیت و تعارض آن با روش‌شناسی آن‌ها.

کلیدواژه‌ها: اقسام توحید، توحید ربوبی، بدعت، سلف، وهابیت.

مقدمه

تاریخ اندیشه اسلامی همراه با فراز و فرودها و آکنده از تحول و تنوع برداشت‌ها است. در این تاریخ پرتحول، فرقه‌ها و مذاهب گوناگونی با مبانی مختلفی ظهور کردند. در این میان، فرقه وهابیت را سیر و سرّ دیگری است، زیرا این فرقه هرچند بنا به گفته خودش، خود را سلفی و پیرو احمد بن حنبل می‌خواند^۱ اما افکار خاصی دارد^۲ که آن را از سایر فرق متمایز می‌کند. آن‌ها مسلمانان را دور از توحید و مشرک می‌خوانند و توحید را در اقسام خاصی، منحصر می‌کنند؛ و با این انحصار و همچنین برداشت نادرست از اقسام توحید و مشرک‌خواندن مسلمانان^۳ به شهرها حمله کردند و خون مسلمانان را ریختند،^۴ هرچند این افعال باعث سستی مسلمانان در عقایدشان نشد.^۵ با توجه به ضرورت حفظ جان و خون مسلمانان، این مقاله تلاش دارد ضمن بازخوانی آرا و اندیشه‌های رهبران وهابیت در باب انحصار اقسام توحید، چگونگی تعارض این انحصار را با مبانی وهابیت نشان دهد. هرچند در کتاب‌هایی همچون التوحید و الشرک فی القرآن الکریم جعفر سبحانی، توحید و شرک در نگاه شیعه و وهابیت احمد عابدی، مقاله «توحید اسما و صفات در نزد وهابیت» علی ربانی گلپایگانی، جهان‌بینی توحید مرتضی مطهری، التندید لمن عدد التوحید حسن بن سقاف، کشف الارتیاب سید محسن امین و ... از توحید بحث شده است. اما از آن‌جا که این کتب، بسته و گریخته، به علت حصر اقسام توحید پرداخته‌اند بایسته است مطالب به صورت منظم گردآوری و تحلیل شود.

۱. نجم‌الدین طیبی، سلفیان، باورها و کارکردها، ص ۱۵.

۲. الوهابیه او سلفیه هم اتباع المذهب الحنبلی (ای الحنابله المجسمه النواصب) و ان خالف بعضهم المذهب الحنبلی فی بعض القضايا؛ حسن بن سقاف شافعی، السلفیه الوهابیه، ص ۱۹.

۳. ابن غنام، تاریخ نجد، ص ۸۳-۸۴؛ محمد بن عبدالوهاب التمیمی، کتاب التوحید، ابواب مختلف کتاب.

۴. سید محسن امین، ترجمه کشف الارتیاب، بخش ابتدایی کتاب.

۵. ابن بشر، عنوان المجد فی تاریخ النجد، ص ۴۵.

اقسام توحید از دیدگاه وهابیت

توحید در لغت مصدر وحد یوحد است. برای توحید بخش‌های گوناگونی مطرح شده است. در اصطلاح، نزد وهابیت، به معنای یگانه قراردادن خداوند در آنچه مختص به او است (ربوبیت، الوهیت، اسما، صفات) معنا شده است.^۱ توحید نزد وهابیت به دو گونه تقسیم شده است. ایشان گاهی توحید را به سه قسم^۲ و گاهی به دو قسم تقسیم کرده‌اند.

تقسیم سه‌گانه توحید

محمد بن عبدالوهاب درباره اقسام و معانی توحید، به صورت کنایه‌ای، در جواب کسی که از او درباره توحید ربوبیت و توحید الوهیت و توحید در صفات پرسیده به اقسام توحید اشاره می‌کند. وی می‌نویسد: «توحید ربوبیت آن است که کفار به آن اقرار می‌کردند».^۳ «اما توحید الوهیت، پس آن اخلاص بندگی فقط برای خداوند است. برای اینکه اله در لغت عرب به معنای عبادت است. چنانچه می‌گفتند اله ما اله تمام اله‌ها است اما با او اله‌های دیگر هم قرار می‌دادند، مثل فرشتگان و صالحان. خداوند نیز از آن‌ها اقرار گرفت که به توحید در عبادت معتقد شوند، زیرا وقتی مدبر، شخصی واحد است و همه موجودات غیر از خداوند هیچ چیز ندارند چگونه آن‌ها خوانده می‌شوند. و اما توحید صفات که سومین قسم توحید است که دو توحید قبل با این توحید کامل می‌شوند».^۴

محمد بن عبدالوهاب در توضیح اقسام سه‌گانه توحید در جای دیگری می‌گوید:

توحید دارای سه اصل است؛ توحید ربوبیت و توحید الوهیت و توحید اسما و صفات.

اما اصل اول، یعنی توحید در ربوبیت، و آن چیزی بود که مشرکان زمان پیامبر به آن

۱. ابن عثیمین، فتاویٰ العقیده و ارکان الاسلام، ص ۹؛ عبدالرحمن عاصمی، الدرر السنیة فی الاجوبة النجدية، ج ۲، ص ۷۲؛ راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، ص ۵۸۵؛ ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۶، ص ۹۰.
۲. ناصر الدین البانی، موسوعة الالبانی فی العقیده، ج ۲، ص ۵۸؛ ابن تیمیه، مجموعه التوحید، ص ۵. ابن تیمیه در کتاب مجموعه التوحید به تقسیم سه‌گانه توحید تصریح کرده است. تقسیم‌بندی سه‌گانه به طور مفصل در دو جلد اول کتاب فتاویٰ اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة والافتاء آمده است.
۳. چنانچه در سوره یونس آیه ۳۱ آمده است.
۴. عبدالرحمان عاصمی، الدرر السنیة فی الاجوبة النجدية، ج ۲، ص ۷۲ و ۷۳، با کمی تصرف در ترجمه.

ایمان داشتند، اما با این حال، علاوه بر آنکه پیامبر آنان را داخل در اسلام قرار نداد، آن‌ها را کشت و مال و خونشان را حلال دانست. اصل دوم توحید الوهیت است و آن به این معنا است که بندگان، خداوند را در افعال خود واحد بدانند. مثل دعا، امیدداشتن، ترس، خضوع، کمک، پناه‌بردن، دوست‌داشتن، انابه، نذر، ذبح، و ... و اما اصل سوم در توحید، توحید در اسما و صفات است.^۱

ابن عثیمین، یکی از علمای بزرگ وهابی، ضمن تأکید بر آیه «رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا»^۲ «همان پروردگار آسمان‌ها و زمین، و آنچه میان آن دو قرار دارد! او را پرستش کن و در راه عبادتش شکیبا باش! آیا مثل و مانندی برای او می‌یابی؟!»، درباره تقسیم توحید به سه قسم می‌گوید: «توحید به سه قسم تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از: توحید ربوبیت، توحید الوهیت و توحید اسما و صفات. به تحقیق که این سه توحید در این آیه مؤکد جمع شده است».^۳ در جایی دیگر، ابن عثیمین به اقسام توحید اشاره می‌کند و می‌گوید بر حسب آنچه اهل علم ذکر کرده‌اند توحید به سه قسم ربوبی، الوهی و توحید در اسما و صفات تقسیم می‌شود.^۴

یکی دیگر از علمای وهابی درباره اقسام توحید می‌گوید: «توحید به اعتبار موضوع به سه قسم تقسیم می‌شود: ربوبیت، الوهیت و توحید در اسما و صفات؛ هر یک از این سه قسم توحید شناخته می‌شوند و فقط کسی موحد است که به این سه قسم اقرار کند».^۵

تقسیم دوگانه توحید

تقسیم دیگری که وهابیت برای توحید آورده ناظر به تقسیم‌بندی دوگانه است. نمونه اول برای تقسیم دوگانه توحید گفتار نوه محمد بن عبدالوهاب در کتاب تیسیر العزیز

۱. همان، ج ۲، ص ۶۷.

۲. سوره مریم (۱۹)، آیه ۶۵.

۳. ابن عثیمین، القول المفید علی کتاب التوحید، ج ۱، ص ۸ و ۹.

۴. همان، فتاوی العقیده و ارکان الاسلام، ص ۹.

5. <http://www.salafi.net/articles/article4.html>

الحمید است که می‌نویسد: «توحید تقسیم می‌شود به توحید در معرفت و اثبات (توحید ربوبیت و اسما و صفات) و توحید طلب و قصد (توحید الوهیت یا عبودیت)».^۱

نمونه دیگر برای تقسیم دوگانه توحید، کلام نویسنده مدارج السالکین است که می‌نویسد: «توحید خداوند در این است که از طرفی خداوند را در علم و شناخت و شهود یگانه بدانیم و از طرف دیگر در طلب و اراده نیز او را یکتا بیابیم».^۲ این کلام به صورت اجمالی از طرف وی بیان شده است. شاید بتوان در توضیح مسئله گفت یکتایی خداوند در شناخت و شهود به همان معنای توحید در ربوبیت و اسما و صفات است و نیز توحید در طلب همان توحید الوهی است. چنانچه در بند بالا به این مطلب اشاره شد. به عبارت دیگر، می‌توان گفت شناخت خداوند در علم و شناخت و شهود، اشاره به حوزه شناخت نظری خداوند دارد و توحید خداوند در طلب و قصد حکایت از توحید عملی دارد.

نمونه سوم گفتار شیخ عبدالرحمن در شرح کتاب التوحید است که می‌گوید: «توحید بر دو قسم است: توحید در معرفت و اثبات که همان توحید ربوبیت و اسما و صفات است و توحید در طلب و قصد که همان توحید الوهی است. این قیم نیز گفته است توحیدی که پیامبران به آن می‌خواندند و کتب رأی آن نازل شده است بر دو نوع است: توحید در معرفت و اثبات، و توحید در طلب و قصد».^۳ عبدالرحمن بن عبدالخالق درباره این قسم از تقسیم می‌نویسد:

برخی از علمای متأخر در جهت تعلیم توحید، توحید را بر دو قسم تقسیم کرده‌اند: توحید علمی و توحید عملی. مقصود از توحید علمی یادگیری اسما و صفات خداوند است و مراد از توحید عملی، عمل به اقتضای آن چیزی است که تصدیق کرده است. این نوع از تقسیم در همه اعمال دین جاری است. برای مثال، در عمل عبادی روزه هم علم و هم

۱. سلیمان بن عبدالله، تیسیر العزیز الحمید فی شرح کتاب التوحید، ج ۱، ص ۱۳۹ و ۱۴۰.

۲. «وتقریده نوعان: تفرید فی العلم والمعرفة والشهود وتفرید فی الطلب والارادة وهما نوعاً التوحید»؛ محمد بن ابی بکر زرعی، مدارج السالکین، ج ۲، ص ۱۰۶.

۳. عبد الرحمن بن تمیمی، فتح المجید لشرح کتاب التوحید، ص ۳۵.

عمل دخیل است. علم، به این معنا که روزه عبادتی است که بر مؤمنان فریضه واجب است و عملاً باید برای خداوند گرفته شود.^۱

نتیجه اینکه توحید نزد وهابیت از یک منظر، به سه قسم و از دیدگاهی دیگر، به دو قسم تقسیم می‌شود.

نحوه جمع دو تقسیم

برای جمع کردن این دو تقسیم نویسنده کتاب تیسیر العزیز می‌نویسد: «این دو تقسیم جایز است و هم می‌تواند تقسیم ثلاثی گفته شود و هم تقسیم ثنائی».^۲ اما وی در توضیح مطلب می‌گوید:

توحید از این جهت که به خداوند تعلق می‌گیرد دارای سه قسم است؛ یعنی توحید ربوبی، الوهی و اسما و صفات. اما از جهت آنچه به بنده تعلق می‌گیرد می‌توان توحید را به دو قسم، تقسیم کرد؛ یعنی توحید معرفت و اثبات و قصد و طلب. بنابراین، تقسیم توحید از دو باب است که معنای واحدی دارد. بدین گونه که توحید در ربوبیت و اسما و صفات، که در تقسیم سه‌گانه است، در قسم معرفت و اثبات تقسیم ثنائی جای بگیرد و توحید در الوهیت در قسم دیگر تقسیم ثنائی، یعنی قصد و طلب، گنجانده شود.^۳

بررسی دلایل انحصار اقسام توحید

طبق کنکاشی که در بحث اقسام توحید صورت گرفت، این نتیجه به دست آمد که بیشتر نویسندگان وهابی برای نحوه تقسیم‌بندی اقسام توحید دلیل اقامه نکرده‌اند. آنچه آنان درصدد تبیین آن هستند و برای آن دلیل اقامه می‌کنند بحث معانی اقسام توحید است نه تقسیم‌بندی توحید. برای مثال، احمد آل بوطامی، نویسنده معروف وهابی، در کتاب مفصل خود به نام العقائد السلفیه بادلتهما النقلیه والعقلیه به دلیلی اشاره نکرده است.

1. <http://www.salafi.net/articles/article4.html>

۲. تقسیم ثنائی را افرادی مانند ابن قیم و ابن تیمیه نیز ذکر کرده‌اند؛ سلیمان بن عبدالله، تیسیر العزیز الحمید، ج ۱، ص ۱۳۹ و ۱۴۰.

۳. عبدالرحمن السملی، حقیقة التوحید بین اهل السنة والتمکلمین، ص ۵۱.

وی بعد از تقسیم کردن توحید به سه قسم توحید ربوبی، توحید الوهی و توحید در اسما و صفات، به بیان دلایل معانی اقسام توحید از منظر عقل و نقل می‌پردازد، بدون اینکه کوچک‌ترین اشاره‌ای به علت حصر توحید در این سه قسم بکند.^۱

با حفظ این مقدمه به بیان ادله وهابیان می‌پردازیم. علمای وهابی کمتر به ذکر دلایل برای انحصار اقسام توحید دست زده‌اند:

۱. دلیل اول وهابیان بر انحصار این تقسیم جامع و مانع بودن این تقسیم است.^۲ اما این در صورتی است که این تقسیم‌بندی جامع افراد نیست. در تقسیم‌بندی مذکور، توحید در ذات لحاظ نشده است، حال آنکه یکی از مهم‌ترین مباحث توحید به این قسم اختصاص داده شده است و چون وهابیت در مقام تقسیم‌بندی توحید هستند باید این قسم را نیز دخیل می‌کردند. قرآن کریم به این قسم از توحید بسیار اشاره کرده است. سوره توحید به این قسم اختصاص یافته است. وهابیت که مدعی است این تقسیم‌بندی را از کتاب قرآن اخذ کرده، به چه علت این قسم را ذکر نکرده است. توحید در ذات اولین شناخت و اولین تصویری است که هر کس از خداوند دارد؛ هر کس درباره خداوند می‌اندیشد و به اثبات یا نفی، و تصدیق یا انکار می‌پردازد، چنین معنا و مفهومی در ذهن خود دارد که آیا حقیقتی وجود دارد که وابسته به حقیقتی دیگر نیست، همه حقیقت‌ها به او وابسته‌اند و از اراده او پدید آمده‌اند و او از اصل دیگری پدید نیامده است.^۳ شاید بتوان گفت ذکر نکردن این قسم در این تقسیم‌بندی به گونه‌ای احراز کردن از تعالیم الهی است. از طرف دیگر، همچنان که توحید، مراتب و درجات دارد شرک نیز مراتبی دارد که از مقایسه مراتب توحید با مراتب شرک به حکم «تُعَرَّفُ الْأَشْيَاءُ بِأَضْدَادِهَا» هم توحید را بهتر می‌توان شناخت و هم شرک را. تاریخ نشان می‌دهد که در برابر توحیدی که پیامبران الهی از فجر تاریخ به آن دعوت می‌کرده‌اند انواع شرک‌ها نیز وجود داشته است. یکی از

۱. احمد آل بوطامی، العقائد السلفية بادلثباتها النقلية، ج ۱، ص ۲۴.

۲. ابراهیم البریکان، منهج شیخ الاسلام ابن تیمیة فی تقریر عقيدة التوحید، ص ۱۷۴.

۳. مرتضی مطهری، جهان‌بینی توحیدی، ص ۳۶.

مهم‌ترین شرک‌هایی که بشریت به آن دچار بوده، شرک ذاتی است. بعضی از ملل به دو (ثنویت) یا سه (تثلیث) یا چند اصل قدیم ازلی مستقل از یکدیگر قائل بوده‌اند؛ جهان را چندپایه‌ای و چندقطبی و چندکانونی می‌دانسته‌اند.^۱ در طول تاریخ بشریت این نوع شرک همراه بشریت بوده است. چگونه با این اهمیت بسیار برای یگانه‌دانستن ذات الهی وهابیان در این تقسیم‌بندی توحید در ذات را نیاورده‌اند.

۲. دلیل دوم این است که علی‌رغم اینکه این دسته‌بندی قبل از ابن تیمیه نبوده، ولی به جهاتی این تقسیم‌بندی صحیح است که در ادامه به این جهات اشاره می‌شود:^۲

جهت اول این است که از نظر معنایی این تقسیم‌بندی صحیح است.^۳

جواب این کلام این است که ما درباره علت انحصار توحید به سه قسم بحث می‌کنیم و به معانی این اقسام توجهی نداریم. پس این دلیل خارج از محل بحث است.

جهت دوم این است که این دسته‌بندی از بدعت خالی است و همچنین، هیچ اشتباهی در اصطلاحات موجود نیست.^۴

باید گفت اگرچه در تقسیم ثلاثی اصطلاحات از قرآن گرفته شده است ولی باید توجه داشت که در تقسیم ثنائی چنین چیزی مشاهده نمی‌شود. در تقسیم دوگانه گفته شد که توحید به دو قسم معرفت و اثبات و طلب و قصد تقسیم می‌شود. این در حالی است که این الفاظ از قرآن گرفته نشده است.

جهت سوم اینکه این تقسیم‌بندی با باطن انسان سازگار است و باطن انسان از قبول آن ابا ندارد.^۵

۱. همان، ص ۵۹.

۲. ابراهیم البریکان، منهج شیخ الاسلام ابن تیمیه فی تقریر عقیده التوحید، ص ۱۷۴.

۳. همان.

۴. همان.

۵. همان.

اگر باطن انسانی با این تقسیم‌بندی سازگار است چرا فِرَق دیگر اسلام پای‌بند به چنین تقسیمی نیستند که در ادامه مقاله مخالفان این تقسیم‌بندی بیان می‌شوند. علاوه بر این، سازگار بودن با نفس آدمی دلیل عقلی نیست و بیشتر به ادعا شباهت دارد.

۳. دلیل سوم اجماع است. در این باره عبدالرزاق وهابی در کتابش می‌نویسد: «تقسیم توحید به سه قسم و به دو قسم را همه مسلمانانی که به کتاب خدا و سنت رسولش ایمان دارند پذیرفته‌اند. اما کسانی که مبتدعه و گمراه هستند این اقسام را نپذیرفتند».^۱ این ادعا در صورتی است که بزرگان مذاهب دیگر قائل به این تقسیم‌بندی نیستند. برای مثال، قاضی عبدالجبار در تبیین توحید به دو قسم توحید ذاتی و صفاتی پرداخته است.^۲ همچنین ابوالحسن اشعری در کتاب الابانه به توحید در ذات تصریح می‌کند، در صورتی که این قسم از توحید در تقسیم‌بندی فوق جایی ندارد.^۳ علاوه بر اشاعره و معتزله، شیعه نیز به این تقسیم‌بندی پای‌بند نیست.^۴ حال پرسش این است که مراد از این اجماع کدام مسلمانان هستند که سه فرقه معتزله، اشاعره و شیعه در آن جا ندارد.

دلیل دوم عبدالرزاق البدر بر تقسیم‌بندی، این است که شواهد این تقسیم‌بندی در قرآن و سنت بسیار است.^۵ در جواب باید گفت دلایلی که در قرآن و سنت آمده دلیل بر معانی اقسام توحید است و دلیلی بر حصر این تقسیم‌بندی نیست. عبدالرزاق ناخودآگاه از محل نزاع بیرون رفته است.

۱. أما تقسيم التوحيد إلى ثلاثة أقسام: توحيد الربوبية وتوحيد الألوهية وتوحيد الأسماء والصفات، أو إلى قسمين: توحيد معرفة وإثبات وهو توحيد الربوبية وتوحيد الأسماء والصفات، وتوحيد إرادة وطلب وهو توحيد الألوهية، فهذه عقيدة المسلمين قاطبة، المؤمنین بكتاب الله وسنة رسوله صلى الله عليه وسلم سوى المبتدعة الضالّ؛ عبدالرزاق البدر، القول السديد في الرد على من اذکر اقسام التوحيد، ص ۱۶.

۲. عبدالجبار معتزلی، شرح اصول خمسة، ص ۸۰-۱۹۹.

۳. ابوالحسن اشعری، الابانة عن اصول الديانة، مقدمه مؤلف، ص ۸.

۴. شیخ صدوق، التوحيد، تمام کتاب.

۵. عبدالرزاق البدر، القول السديد في الرد على من اذکر اقسام التوحيد، ص ۱۷؛ مسعری، از عالمان وهابی، به این تقسیم‌بندی پای‌بند نیست و درصدد نقد آن برآمده است.

مشخص شد که دلایل وهابیان استحکام چندانی در تبیین این عقیده خطیر ندارد. افزون بر بی دلیل بودن ادعای وهابیت بر انحصار اقسام توحید باید گفت اقسام توحید از جهاتی معارض با افکار خود وهابیان است که به آن اشاره می شود.

بیان نکاتی چند در نقد انحصار اقسام توحید

پس از بررسی دلایل وهابیان در تقسیم بندی توحید به نقد ایشان می پردازیم. اقسام توحید در منظر وهابیت از چند جهت اشکال دارد:

اشکال اول: تقسیم بندی مذکور خلاف مبنای وهابیان است. زیرا وهابیان خود را پیرو سلف می دانند در حالی که این تقسیم بندی در سه قرن اول از عمر امت اسلامی یا در گفتار صحابه، تابعین و تابعین تابعین، که معنای سلف اند،^۱ یافت نمی شود. عبدالرحمن بن عبدالخالق در این باره می گوید: «از ساخته های برخی از علمای متأخر در باب تعلیم و تربیت، تقسیم توحید به دو قسم علم و عمل است. توحید علمی به معنای آموزش اسما و صفات الهی، ایمان به خدا و تصدیق آن با قلب است. اما معنای توحید عملی عمل کردن مسلمان است به موجب آنچه به آن اقرار کرده است. به این معنا که جز خداوند را عبادت نکند و به غیر از وی امید نداشته باشد. فقط برای او سجده کند و او را به عنوان داور برگزیند. تقسیم دیگری که اهل علم بیان کرده اند تقسیم ثلاثی به اعتبار موضوع است. قسم اول را ربوبیت قرار داده اند و از آن بعضی از معانی رب که بیانی است از خلق و تدبیر و تصرف و ملک و قهر و غلبه اراده شده است. قسم دیگر الوهیت است که به معنای پرستش خداوند است. و قسم سوم اسما و صفات الهی است که به توحید در اسما و صفات شناخته می شود. هیچ کس به این تقسیم در سه قرن اول تصریح نکرده است. شاید اولین کسی که این تقسیم را به تفصیل بیان کرده ابن تیمیه باشد. علت انتصاب این تقسیم به ابن تیمیه برای رد کردن تمام فلاسفه و متکلمان در باب توحید است. عبدالرحمن بن عبدالخالق در پایان می نویسد: «تقسیم دوگانه و سه گانه، نوعی عمل تعلیمی ارشادی

۱. فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۵، ص ۷۲؛ سید محمد کثیری، السلفیة بین اهل السنة والامامة، ص ۲۲.

است و اصطلاحی است که به این شکل در کتاب و سنت و گفتار صحابه و تابعین نیامده است.^۱ «لذا این تقسیم‌بندی را ابن تیمیه در قرن هشتم به وجود آورد که سلف بر وی اطلاق نمی‌گردد».^۲ جمال الدین یوسف دمشقی در کتاب خود به نام التمهید فی الکلام علی التوحید، روایات و دلایلی را که بر توحید از سلف وجود داشته جمع‌آوری می‌کند، اما در آنجا اسمی از این اقسام نمی‌آورد. اگرچه نویسنده این کتاب همه روایات در این باب را گردآوری نکرده است، اما اهمیت این تقسیم‌بندی، فرض این تقسیم‌بندی را در روایات دیگر کم‌رنگ و ناممکن می‌کند؛ چراکه اگر اشاره‌ای به این اقسام در آثار سلف رسیده بود، بی‌درنگ نویسنده به این گونه‌ها در قالب آثار سلف اشاره می‌کرد.^۳

فقدان این تقسیم‌بندی در آثار سلف زمانی قوت می‌گیرد که با توجه به عنوان کتاب التمهید فی الکلام علی التوحید (مقدمه‌ای در بیان توحید) اگر مطلبی از اقسام توحید بود باید ذکر می‌شد. حال پرسش ما این است که آیا اقسام توحید از مقدمات علم توحید نیست. اگر از مقدمات علم توحید است باید نویسنده این کتاب در صورت وجود روایاتی که در آن به اقسام توحید نظر دارد، اشاره می‌کرد.

۱. ومما صنعه بعض علماء السنة المتأخرين مما يدخل في باب التعليم والتقريب، وتقسيم التوحيد إلى قسمين: العلم والعمل، فالتوحيد العلمي معناه تعلم أسماء الله وصفاته ومعاني الإيمان به، وتصديق ذلك بالقلب، وأما توحيد العمل فهو أن يعمل المسلم بمقتضى هذا التصديق فلا يعبد إلا الله ولا يرجو إلا هو، ولا يجب حب عبادة إلا له، ولا يسجد إلا له، لا يحاكم إلا إليه ... الخ ... وجاء من أهل العلم من قسم التوحيد إلى ثلاثة أقسام باعتبار موضوعاته الكبرى فجعل الربوبية قسمًا، وعنى بالربوبية بعض معاني الرب من الخلق والتدبير والتصرف والملك، والقهر والغلبة، وجعل الألوهية قسمًا وعنى بها المعبود، وجعل جميع أسمائه وصفاته قسمًا وسماه توحيد الأسماء والصفات، وسمى كل قسم من هذه الأقسام الثلاثة توحيداً ... وهذا التقسيم الثلاثي لم ينص عليه أحد في القرون الثلاثة الأولى ... ولعل أول من ذكر هذا التقسيم بالتفصيل والتعريف هو شيخ الاسلام ابن تيمية رحمه الله، وذلك لانتصابه رحمه الله للرد على جميع المخالفين في التوحيد من أهل الكلام والفلسفة، وتقسيم معاني توحیده إلى اثنتين علمی خبری، وقصدی طلبی أو ثلاثة ربوبية، وألوهية، وأسماء وصفات، إنما عمل تعلیمی إرشادی اصطلاحی لم يأت هذا التقسيم بهذه القسمة الثنائية أو الثلاثية في الكتاب والسنة ولا في أقوال الصحابة والتابعين، برگرفته از سایت: <http://www.salafi.net/articles/article4.html>

۲. عبدالحسين طوخي، منهج ابن تيميه في التوحيد، ص ۹۵؛ سيد محمد كثيرى، السلفية بين اهل السنة والامامية، ص ۵۴۷.

۳. جمال الدين دمشقى، التمهيد فى الكلام على التوحيد، تمام كتاب؛ در كتاب التوسل بالنبي و جهله الوهابيين به اين مطلب تصريح شده است که در كتاب خدا و سنت رسول الله و سلف اين تقسيم‌بندی يافت نمی‌شود؛ ابی حامد ابن مرزوق، التوسل بالنبي و جهله الوهابيين، ص ۴۶.

اشکال دوم: به عبارت دیگر، باید گفت انحصار تقسیم‌بندی توحید بدعتی (ایجاد ابتکاری)^۱ است. وهابیان هر چیزی را که خداوند تشریع نکرده است بدعت می‌خوانند، چنانچه ابن عثیمین در این زمینه می‌گوید: «التعبد لله بما لم يشرعه الله» این معنای از بدعت را ابن تیمیه می‌پذیرد. ابن عثیمین، در جایی دیگر، بدعت را این‌گونه معنا می‌کند: «التعبد لله تعالى بما ليس عليه النبي، و لا خلفائه الراشدون» «متعبد شدن به چیزی که پیامبر ﷺ و خلفای راشدین بر آن نیستند». با توجه به این مطالب باید داغ اتهام بدعت را بر پیشانی این تقسیم‌بندی زد.^۲ از آنجایی که این تقسیم‌بندی به دست ابن تیمیه شکل گرفته است باید گفت ابن تیمیه مبتدع و گمراه است و باید حکم به گمراه‌بودن او کرد؛ چراکه وی می‌گوید: «هر بدعتی گمراهی است و هر گمراهی، محکوم به نار است. این نص کلام پیامبر ﷺ است و حمل بدعت بر قبیح و حسن صحیح نیست».^۳

در اینجا باید به کلام نویسنده وهابی اشاره کرد که در توجیه بدعت‌نبودن این تقسیم‌بندی می‌نویسد: «و هذا التقسيم و إن لم يرد في الكتاب والسنة بالفاظه إلا ان معناه صحيح و حق لا شك فيه»؛^۴ «این تقسیم‌بندی اگرچه با این الفاظ در کتاب و سنت وارد نشده، اما معنای آن صحیح است و هیچ شکی در آن نیست». این کلام از جهاتی مخدوش است. اولاً خودمتناقض و خودشکن است. گوینده درصدد است با این کلام از این تقسیم‌بندی دفاع کند، اما غافل از اینکه ناخودآگاه اقرار می‌کند که این تقسیم‌بندی با این الفاظ در کتاب و سنت نیامده است و همین مطلب دال بر این است که هر کس این تقسیم‌بندی و الفاظ را مطرح کرده مبتدع است.

از جهتی دیگر، چنانچه گفته شد، معانی اقسام توحید با اقسام توحید متفاوت است. به عبارت دیگر، این کلام تبیین و تصدیق معانی اقسام توحید است، نه خود اقسام توحید و

۱. سید علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، ج ۱، ص ۱۷۱؛ خلیل بن احمد فراهیدی، العین، ج ۲، ص ۵۴.

۲. ابن عثیمین، فتاوی العقیده، ص ۳۹۱؛ ابن تیمیه، مجموع الفتاوی، ج ۴، ص ۱۰۷ و ۱۰۸؛ مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، وهابیت سیاسی، ص ۴۲۳؛ سید محسن امین، تاریخ و نقد وهابیت (ترجمه کشف الارتیاب)، ص ۲۱۳ و ۲۱۵.

۳. ابن تیمیه، اقتضاء الصراط المستقیم، ص ۳۸۳.

۴. عبدالرحمان السملی، حقیقة التوحید بین اهل السنة والمتکلمین، ص ۵۱.

حصر تقسیم‌بندی توحید. یعنی این کلام بر فرض اینکه دلیل تلقی شود، دلیل بر معانی توحید است نه حصر توحید در اقسام سه‌گانه ربوبی، الوهی و اسما و صفات. همه این مطالب با چشم‌پوشی از تصریح خود علمای وهابی است که مدعی هستند این تقسیم‌بندی را ابن تیمیه اختراع کرده است.

نکته محل توجه در اینجا، این است که عبدالرزاق البدر در کتاب خود ادعا می‌کند که این تقسیم‌بندی را ابن تیمیه ابداع نکرده است بلکه افرادی مانند عکبری (متوفای ۳۸۷ ه.ق.) و محمد بن اسحاق منده (متوفای ۳۹۵ ه.ق.)، که از وی متقدم‌تر بوده است، این تقسیم‌بندی را ذکر کرده‌اند.^۱ این دلیل نیز مخدوش است. به‌علاوه، این کلام خلاف کلام دیگر علمای وهابی است و با مبنای پیروی از سلف، به معنایی که وهابیان می‌گویند، سازگار نیست؛ چراکه دو نفر مذکور در قرن چهارم زندگی می‌کردند و سلف به سه قرن اول گفته می‌شود.

علاوه بر این، اگر این تقسیم‌بندی در آثار سلف ذکر شده بود نباید در آن تفاوتی دیده می‌شد. یعنی نباید گاهی تقسیم‌بندی دوگانه ذکر می‌شد، چنانچه ابن قیم گفته است، و گاهی تقسیم‌بندی سه‌گانه؛ و به علت همین اختلاف است که تقسیم‌بندی دوگانه از اجتهادات ابن قیم دانسته شده است نه از بیانات سلف.^۲ عبدالرزاق در ادامه می‌گوید قاضی ابویوسف (متوفای ۱۹۲ ه.ق.) نیز این تقسیم‌بندی را ذکر کرده است. اما نویسنده منبعی برای این کلام به غیر از کتاب توحید ابن منده، که خود در سال ۳۹۵ ه.ق. از دنیا رفته است نیافت. در توضیح باید گفت این کلام مستقیم از قاضی نقل نشده است بلکه ابن منده گفته است قاضی این کلام را بیان کرده است. نکته دیگر اینکه با فرض صحیح بودن سندی کلام ابویوسف، این کلام به سه قسم و انحصار دسته‌بندی توحید اشاره نکرده است.

۱. عبدالرزاق البدر، القول السدید فی الرد علی من انکر اقسام التوحید، ص ۳۲-۳۳.

۲. عبدالحسین طوخی، التوحید عند شیخ ابن تیمیه، ص ۲۷.

اشکال سوم: این تقسیم‌بندی با روش‌شناسی وهابیت متعارض است. از آنجایی که روش وهابیان در درک منابع، حجیت فهم سلف است و فهم سلف را بر فهم خلف مقدم می‌دانند در اینجا دو فرض قابل تصور است که هر دو فرض مخدوش است.

فرض اول: اینکه سلف به این نکته مهم، یعنی تقسیم‌بندی توحید توجه نداشتند و نفهمیدند؛ این فرض، پرسش‌های ذیل را به دنبال دارد؛ چگونه توجه نکردن سلف به این مطلب با مبنای وهابیان بر حجیت فهم سلف سازگار است؟ چگونه می‌توانیم با بی‌اطلاعی سلف از برخی مطالب آن‌ها را بر خلف مقدم کنیم؟ دلیل این امر چه بوده است؟ و از همه مهم‌تر اینکه چرا این تقسیم‌بندی را نفهمیدند؟ علی‌رغم دسترسی سلف بر پیامبر، نفهمیدن ایشان در این موضوع، توجیه‌بردار نیست! علاوه بر این پرسش‌ها، وهابیت باید در جواب اعلم‌بودن سلف برآیند؛ چنانچه ابن‌قیم جوزی به اعلم‌بودن سلف تصریح کرده است.

فرض دوم: این است که سلف این مطلب را نفهمیدند و بیان نکردند. به هر حال، این فرض هم همراه با چالش است. چرا سلف این تقسیم‌بندی را نگفته‌اند؟ آیا با وجود جایگاه تفسیری و تبیینی که وهابیان برای سلف قائل‌اند، قائل نبودن به این مطلب توجیه‌پذیر است؟ از این جهت که صحابه مفسر دین هستند و از این بیان کوتاهی کرده‌اند در عدالت خود خدشه وارد کرده‌اند. همه این پرسش‌ها با اغماض از این مطلب است که ذکر نشدن این تقسیم‌بندی در بیان سلف آشکار است. آنچه از مباحث توحید در سلف و آثار رسیده از ایشان مهم به نظر می‌آید، بحث اقرار به لا اله الا الله و نبوت رسول الله است نه این تقسیم‌بندی. برای مثال، روایت «أُمِرْتُ أَنْ أَقَاتِلَ النَّاسَ حَتَّى يَشْهَدُوا أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ، وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ، فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ عَصَمُوا مِنِّي دِمَاءَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ إِلَّا بِحَقِّ الْإِسْلَامِ، وَحَسَابُهُمْ عَلَى اللَّهِ»^۱ گواه این مطلب است. همچنین در روایات

۱. محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۴.

دیگر تصریح به حفظ خون، مال و جان در گرو لا اله الا الله و اقرار به نبوت پیامبر اسلام ﷺ است.^۱

افزون بر این مطالب، با توجه به مبنای حجیت فهم سلف، که ابن تیمیه بر آن در رد مخالفانش تکیه دارد، می‌توان چنین گفت که وی بر مبنای خود در بحث اقسام توحید خط بطلان کشیده است؛ چراکه این تقسیم‌بندی در زمان سلف نبوده است. به عبارت دیگر، می‌توان ابن تیمیه را با مبنای خودش که در پاسخ‌گویی به مخالفانش دارد، به چالش کشاند. وی در مقام پاسخ‌گویی به مخالفانش در باب عقاید به این نکته چنگ می‌زند که صحابه یا تابعین، ناقلی مثلاً چنین کلامی نبوده‌اند و همین را دستاویزی برای بطلان عقاید مخالفانش قرار می‌دهد. در کتاب منهاج السنة این شگرد به عیان دیده می‌شود. علاوه بر این، باید گفت ابن تیمیه با به کار بستن پیش‌فرض‌های پذیرفته‌شده‌ای که داشته با این تقسیم‌بندی بلایی بر سر مسلمانان آورده است که تا کنون گریبان‌گیر مسلمانان است؛ چراکه وی توحید مطلق قرآنی را که قرآن به آن امر کرده است به معنای توحید الوهی متضمن توحید ربوبی گرفته است و با این کار نظر خود را بر قرآن تحمیل کرده است. چنان‌که به این مطلب در کتاب خطر تقسیم التوحید علی عقیده المسلمین تصریح شده است.^۲

با توجه به اشکالاتی که در این تقسیم‌بندی وجود دارد نمی‌توان این تقسیم‌بندی را پذیرفت. در اینجا باید به این نکته تذکر داد که یکی از نویسندگان وهابی، به نام مسعری، در نقد حصر این تقسیم‌بندی قلم‌فرسایی کرده است. مسعری شخصی است که گمراهی توحید محمد بن عبدالوهاب را متوجه شد و از آن دست کشید. به طوری که دیگر نویسندگان رسماً او را خبیث خواندند.^۳ وی کتاب قطوری در توحید نگاشته است که در آن کتاب به شدت به حصر سه‌گانه توحید حمله می‌کند و این تقسیم‌بندی را ناقص می‌داند.

۱. همان، ج ۲، ص ۱۰۵؛ مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۱، ص ۵۱.

۲. لجنة بحوث و دراسات به طریقه عزیمه، خطر تقسیم التوحید علی عقیده المسلمین، ص ۱۴۴.

۳. عصام العمد، نقد الشیخ محمد بن عبدالوهاب من الداخل، ص ۵۲، پاورقی کتاب.

اما پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود و ذهن خواننده را به خود مشغول می‌کند این است که با تمام این محظورات چرا وهابیان هنوز به این تقسیم‌بندی پای‌بندند و با هر ترفندی درصدد مستحکم کردن این تقسیم‌بندی‌اند. پاسخ این پرسش را حسن بن سقاف شافعی در کتاب التندید بمن عدد التوحید داده است. وی می‌گوید هدف از این تقسیم‌بندی، تشبیه مؤمنان به کافرانی است که بر روش متمسکین (سلف) نرفته‌اند و به توحید الوهیت (که همان توحید عبادت نزد وهابیان است) موحد نشده‌اند؛ و به همین دلیل متوسلان به انبیا و اولیا علیهم‌السلام را تکفیر می‌کنند. همچنین بسیاری را که با ایشان در امور مختلفی مخالفت می‌کنند کافر می‌خوانند، در حالی که آن‌ها حق را می‌بینند. افعال و کردار مؤسس وهابیت، یعنی محمد بن عبدالوهاب، نیز این مطلب را تأیید می‌کند؛ چراکه محمد بن عبدالوهاب دعوت خویش را با کافر و مشرک خواندن مسلمانان شروع کرد که منشأ این کفر نگاه خاص وی به توحید و معنای آن است. کتاب التوحید وی که حاوی همین مطالب کفرآمیز بر مبنای همین تقسیم‌بندی و معانی خاص آن است در این زمان نگاشته شده است.^۱ او در این کتاب نذر، استغاثه، و خواندن صالحان را از مصادیق شرک می‌داند.^۲ همچنین به حاکمان شهرهای دیگر نامه نوشت و آن‌ها را به توحید حق دعوت کرد^۳ و علاوه بر این اقدام نظری (نامه‌نگاری)، اقدام عملی نیز انجام داد.^۴

نتیجه

وهابیت اقسام توحید را در سه قسم توحید ربوبی، الوهی و اسماء و صفات منحصر کرده‌اند. اما این حصر تقسیم‌بندی صحیح نیست. دلیل اول بر نادرستی این تقسیم‌بندی مخالف بودن آن با مبنای وهابیت، یعنی پیروی از سلف است. به عبارت دیگر، وهابیت با پای‌بندی به این تقسیم‌بندی خود را در منجلا ب بدعت گرفتار کرده است. از سوی دیگر،

۱. ابن غنام، تاریخ نجد ابن غنام، ص ۸۴.

۲. محمد بن عبد الوهاب، التوحید، ابواب مختلف کتاب.

۳. ابن بشر، عنوان المجد فی تاریخ النجد، ص ۴۵.

۴. عبدالرحمان عاصمی، الدرر السنیه فی الاجوبه النجدیه، ص ۱۱۴.

ایشان با اعتقاد به این انحصار در اقسام توحید زمینه را برای گروه‌های افراطی و تروریسم‌های در ظاهر اسلامی فراهم کرده‌اند، که با متوسل شدن به این تفکر، خون مسلمانان بی‌گناه را بریزند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن بشر، عثمان بن عبدالله، عنوان المجد فی تاریخ النجد، عبدالله بن بشر، تحقیق: عبد الرحمن بن عبد اللطیف، ریاض: انتشارات ملک عبد العزیز، الطبعة الرابعة، ۱۴۰۲.
۳. ابن تیمیه، احمد بن عبد الحليم، اقتضاء الصراط المستقیم، تحقیق: ناصر العقل، ریاض: انتشارات دار الفضيلة، الطبعة الاولى، ۱۴۲۴.
۴. _____، مجموع الفتاوى، تحقیق: عبد الرحمن قاسم، مدينه: انتشارات ملک فهد، ۱۴۱۶.
۵. _____، مجموعة التوحيد، بيروت: انتشارات دار الفكر، الطبعة الاولى، ۱۴۱۱.
۶. ابن زکریا، احمد بن فارس، معجم مقاييس اللغة، تحقیق: عبد السلام، بيروت: انتشارات دار عالم الكتب، ۱۴۲۰.
۷. ابن عبد الوهاب، سليمان بن عبدالله، تيسير العزيز الحميد فی شرح كتاب التوحيد، تحقیق: اسامه العتيبي، عربستان: دار الصميعی، الطبعة الثانية، ۱۴۲۹.
۸. ابن عثيمين، محمد بن صالح، القول المفيد على كتاب التوحيد، عربستان: دار ابن الجوزي، الطبعة الثانية، ۱۴۲۴.
۹. _____، فتاوى العقيدة و اركان الاسلام، تحقیق: يحيى مراد، قاهره: انتشارات مختار، الطبعة الاولى، ۱۴۲۸.
۱۰. ابن غنام، حسين، تاريخ نجد، تحقیق: ناصر الدين اسد، بی جا: انتشارات دار الشروق، الطبعة الرابعة، ۱۴۱۵.
۱۱. ابن مرزوق، ابی حامد، التوسل بالنبي و جهله الوهابيين، ترکیه: انتشارات اشيق، ۱۳۹۶.
۱۲. اشعري، ابوالحسن، الابانة عن اصول الديانة، بيروت: انتشارات دار ابن حزم، الطبعة الاولى، ۱۴۲۴.
۱۳. امين، سيد محسن، تاريخ و نقد وهاييت (ترجمه كشف الارتباب)، ترجمه: على اكبر فائزى پور، قم: انتشارات قدس، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۱۴. آل بوطامی، احمد، العقائد السلفية بادلتهما العقلية والعقلية، قطر: انتشارات دار الكتب، ۱۴۱۵.
۱۵. البانى، ابو عبد الرحمن ناصر الدين، موسوعة الالبانى فى العقيدة، يمن: انتشارات مركز النعمان، الطبعة الاولى، ۱۴۳۱.
۱۶. بخارى، محمد بن اسماعيل، صحيح بخارى، محقق: محمد ناصر ناصر، بی جا: انتشارات دار الطوق، الطبعة الاولى، ۱۴۲۲.
۱۷. بدر، عبد الرزاق، القول السديد فى الرد على من انكر اقسام التوحيد، عبد الرزاق البدر، قاهره: انتشارات دار ابن قيم، الطبعة الثالثة، ۱۴۲۲.

۱۸. بربکان، ابراهیم، **منهج ابن تیمیه فی تقرير عقيدة التوحيد**، رياض: دار ابن قيم، الطبعة الاولى، ۱۴۲۵.
۱۹. تمیمی، عبد الرحمن بن حسن، **فتح المجید لشرح کتاب التوحيد**، تحقیق: ولید بن فریان، عربستان: دار ابن اثیر، الطبعة الثانية عشر، بی تا.
۲۰. تمیمی، محمد بن عبد الوهاب، **کتاب التوحيد**، رياض: انتشارات دار طویق، الطبعة الثانية، ۱۴۲۸.
۲۱. دمشقی، جمال الدین، **التمهید فی الکلام علی التوحيد**، محقق: محمد السمهري، رياض: دار بلنسیه، الطبعة الاولى، ۱۴۱۷.
۲۲. دویش، احمد، **فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث**، رياض: انتشارات دار العاصمه، الطبعة الثالثة، ۱۴۱۹.
۲۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **معجم مفردات الفاظ القرآن**، بیروت: انتشارات دار الکتب العلمیه، الطبعة الثالثة، ۲۰۰۸.
۲۴. زرعی، محمد بن ابی بکر، **مدارج السالکین بین منازل إياک نعبد وإياک نستعین**، تحقیق: محمد حامد الفقی، بیروت: دار نشر دار الکتب العربی، الطبعة الثانية، ۱۳۹۳.
۲۵. سلمی، عبد الرحیم، **حقیقة التوحيد بین اهل السنة والمتکلمین**، پایان نامه کارشناسی ارشد، عربستان: بی نا، بی تا.
۲۶. شافعی، حسن بن سقاف، **السلفية الوهابية**، بیروت: دار الامام الرؤاس، بی تا.
۲۷. طیبسی، نجم الدین، **سلفیان؛ باورها و کارکردها**، قم: انتشارات دلیل ما، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۲۸. طریحی، فخرالدین، **مجمع البحرین**، تهران: کتاب فروشی مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵.
۲۹. طوخی، عبد الحسین، **منهج ابن تیمیه فی التوحيد**، قم: نشر مشعر، الطبعة الاولى، ۱۴۳۳.
۳۰. عاصمی، عبد الرحمن بن محمد، **الدرر السنية فی الاجوبة النجدية**، بی جا: الطبعة السادسة، ۱۴۱۷.
۳۱. عماد، عصام، **نقد الشیخ محمد بن عبد الوهاب من الداخل**، قم: انتشارات الاجتهاد، الطبعة الاولى، ۱۴۲۹.
۳۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، **العين**، قم: انتشارات هجرت، ۱۴۱۰.
۳۳. قرشی، سید علی اکبر، **قاموس قرآن**، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.
۳۴. قمی، شیخ صدوق، **التوحيد**، قم: انتشارات نشر اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۸.
۳۵. کثیری، سید محمد، **السلفية بین اهل السنة والامامية**، قم: انتشارات مؤسسه دائرة المعارف الفقه، الطبعة الثانية، ۱۴۲۹.
۳۶. لجنة بحوث و دراسات به طریقہ عزمیه، **خطر تقسیم التوحيد علی عقيدة المسلمین**، بی جا: الطبعة الاولى، ۱۴۲۶.
۳۷. مطهری، مرتضی، **جهان بینی توحیدی**، تهران: انتشارات صدرا، چاپ سی و پنجم، ۱۳۹۲.

۳۸. معتزلی، قاضی عبد الجبار، **شرح اصول خمسہ**، بیروت: انتشارات دار احیاء التراث العربی، الطبعة الاولى، بی تا.

۳۹. مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، **وہابیت سیاسی**، تهران: انتشارات اندیشه‌سازان نور، چاپ اول، ۱۳۹۰.

۴۰. نیشابوری، مسلم بن حجاج، **صحیح مسلم**، محقق: محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت: انتشارات دار احیاء التراث العربی، بی تا.

41. <http://www.salafi.net/articles/article4.html>